

پول به عنوان یک سند حقوقی؛ تورم به عنوان یک پدیده حقوقی

نورالله صالحی^۱

چکیده:

اشکال علمی، نظام اقتصاد سرمایه‌داری این است که پول را به عنوان یک موضوع اقتصادی و نیز پدیده اقتصادی تلقی می‌نماید. در صورتی که پول یک موضوع اقتصادی، لکن پدیده (مفهوم) حقوقی است. به طوری که در نظام اقتصاد سرمایه‌داری بین عمل قرض در اقتصاد و عمل بازار تفاوتی در نظر گرفته نشده است. در اقتصاد هدف قرض، رفع نیاز (فقط و فقط ارزش مصرفی) می‌باشد بدون این که هدف سود در کار باشد. قرض به نوعی، وسیله تعاون اجتماعی است. به همین خاطر در این عمل هیچ ریسکی وجود ندارد در نتیجه هیچ بازدهی هم برای آن قابل تصور نیست. همچنین ارزش مصرفی بودن، ریسک را به همراه ندارد. فقط ریسک عدم برگشت وجود دارد که آن هم از طریق ضمان حل می‌شود. در صورتی که در عمل بازار که قرار است به سرمایه‌گذاری تبدیل شود و بازدهی کسب شود این عمل همراه با ریسک است در نتیجه می‌توان بازدهی برای آن در نظر گرفت (بازار سرمایه). در علم اقتصاد می‌توان برای کالاها بازار تعریف نمود. (عرضه، تقاضا و قیمت). اما برای پول نمی‌توان بازار تعریف نمود. بلکه لازم است عمل استقراض تعریف نمود. با توجه به این که پول در علم اقتصاد یک پدیده حقوقی است لازم است برای پول حقوق مالکیت تعریف نمود. البته حقوق مالکیت پول همان سیاست حفظ ارزش پول است. **واژگان کلیدی:** ارزش، بانک، پول، تشکیل منبع عمومی از پول، حقوق مالکیت، عقد قرض الحسنه و مالکیت

JNIS-2309-1105

^۱ - استادیار گروه اقتصاد، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران

salehinoor@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۳۱ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۰۶

مفهوم حق از مهمترین مسائل حوزه اخلاق، حقوق و سیاست است. در این زمینه، مباحث مختلفی از جمله معنا و ماهیت حق، انواع حق، منشأ حق و غیره مطرح می‌شود. در این میان، بحث از معنای حق، به خصوص در نگاه اندیشمندان اسلامی، و به طور اخص در حوزه‌های فقهی، حقوقی، اجتماعی و سیاسی، یکی از مباحث مهم است. تبیین دقیق معنای حق در نگاه اندیشمندان حوزه‌های مختلف دانش‌های اسلامی، به خصوص در دانش‌های حقوق و سیاست، زمینه مناسبی را برای طرح درست و عالمانه مباحث مهم نظام‌های سیاسی و حقوقی فراهم می‌آورد. واژه حق در گفتمان حق به معنای شایستگی داشتن موجودی بر چیزی است. براساس این تعریف، هر موجودی در جهان می‌تواند صاحب حق باشد؛ زیرا حق به معنای شایستگی برای رسیدن به غایات است. غایت موجودات مختار همان هدف حکیمانه‌ای است که آن موجود افعال خود را برای رسیدن به آن انجام می‌دهد. غایت موجودات مجبور مقصد حرکت طبیعی آنهاست.

چون همه موجودات غایات معین و حکیمانه‌ای دارند، شایستگی دارند؛ یعنی حق دارند افعال خود را برای رسیدن به آن غایات انجام دهند؛ بنابراین همه موجودات، صاحب حق رسیدن به غایت مطلوب هستند؛ خواه صاحب حق مجرد باشد یا مادی، زنده باشد یا بی‌جان، مختار باشد یا مجبور، وجودش حقیقی باشد یا مثل اصناف، گروه‌های اجتماعی و جوامع بشری، وجودش اعتباری باشد. چنانکه برترین موجود در جهان یعنی خدا، می‌تواند حق داشته باشد، پست‌ترین موجود نیز می‌تواند شایسته رسیدن به غایت مطلوب باشد. چنان که موجود کاملاً مختار را می‌توان صاحب حق دانست، موجودات مجبور نیز می‌توانند صاحب حق باشند.

آیت الله جوادی آملی معتقد است همه موجودات حق دارند: «از منظر تعالیم آسمانی (اسلام)، نه تنها انسان، بلکه هر موجودی به میزان حیطة وجودی خود دارای حق است». وی معتقد است چون هویت وجودی صاحبان حق مختلف است، حقه‌ای آنها نیز با یکدیگر یکسان نیستند. وی در یکی از فرازهای کتاب حق و تکلیف در اسلام می‌گوید:

«حق هر موجودی متناسب با هویت آن موجود است. اگر برای جمادات و طبیعت بی‌جان حق قائل باشیم، مراد حقی است که همسنگ ماهیت آن است و اگر برای حیوانات، حقوقی را لحاظ می‌کنیم، مقصود اموری است که با هویت حیوانی تناسب دارد و هرگاه از حق انسانی سخن به میان می‌آید، مقصود حقوق متناسب با هویت او و اگر از حق الهی صحبت می‌کنیم، متناسب با هویت قدسی اوست. بدون تردید حق جماد با حق حیوان متفاوت است و حق حیوان و جماد با حق انسان فرق دارد و همه حقوق مزبور از حقوق خداوند متمایز است؛ چون ذات و هویت این موجودات باهم تفاوت دارد».

همه مفاهیم کلی که در دانش‌های علم اجتماعی، حقوق، سیاست، جامعه‌شناسی، علوم تربیتی و ... به کار می‌روند، از مفاهیم فلسفی‌اند؛ یعنی هم واقعیتی خارج از ذهن دارند و هم آنها را از مقایسه می‌فهمیم. این مفاهیم همگی اعتباری‌اند؛ یعنی ماهیت حقیقی ندارند.

مفهوم حق نیز در گفتمان حقوق، از این قاعده مستثنا نیست. این مفهوم چه به صورت مصدری و چه در سیاق اسم مصدری، مفهومی فلسفی و اعتباری است.

آیت الله جوادی آملی معتقدند همه موجودات حقی مخصوص خود دارند؛ زیرا هر یک هویت ویژه‌ای دارند. هویت خاص هر موجود را با توجه به اهداف وجودی‌اش می‌توان شناسایی کرد. این هویت خاص تکوینی، یعنی عینی و غیرقراردادی است؛ بنابراین حق تکوینی هر موجود نیز که از هویت خاص آن موجود شناخته می‌شود، حقیقی و غیرقراردادی است.

حقوق تکوینی هیچ موجودی از جمله حقوق انسان، امری قراردادی نیست، بلکه با حقایق عینی مرتبط است. انسان براساس آن چه که هست، حقوقی پیدا می‌کند و حقوق انسان مطابق "بود" اوست و لازم تعیین حق برای هر موجودی هستی‌شناسی اوست.

در نظام فکری آیت الله جوادی آملی چون همه موجودات وجود دارند، حق نیز دارند؛ پس عنصر مقوم هر حق، وجود صاحب حق است. نحوه وجود و رتبه وجودی هر موجود باتوجه به کمالات وجودی آن موجود تعیین می‌شود. هدف از وجود هر موجود، در تعیین کمالات وجودی هر موجود نقش مستقیم دارد؛ بنابراین، برای شناسایی هویت هر موجود باید افزون بر شناخت کمالات وجودی آن، غایت مطلوب آن موجود را نیز شناخت.

عقل انسان در فرآیند مقایسه هر موجود و غایت وجودی‌اش، به آن موجود غایتمند که تکوینی (غیراختیاری) یا تشریعی (اختیاری) در مسیر وصول به آن غایت مطلوب قرار دارد و شایسته رسیدن به آن غایت است، صاحب حق می‌گوید و آن غایت مطلوب را موضوع حق می‌نامد.

به این مثال دقت کنید. غایت مطلوب درخت آن است که میوه‌های مناسب تولید کند. آن درخت در حرکت جوهری به سوی آن غایت مطلوب، یعنی مقصد حرکت طبیعی‌اش، پیش می‌رود تا به آن مقصد برسد. ذهن ما با سنجیدن آن درخت و غایت مطلوبش، یعنی باردهی، مفهوم حق داشتن را می‌سازد، آن را به درخت نسبت می‌دهد و می‌گوید درخت حق میوه‌دهی دارد. در این فرآیند، درخت صاحب حق است و میوه‌دار شدن، موضوع حق. از رابطه صاحب حق و موضوع آن، مفهوم حق داشتن به دست می‌آید. بنابراین عناوین حق، صاحب حق و موضوع حق در فرآیند مقایسه به دست می‌آیند و بر حقایق خارج از ذهن اطلاق می‌شوند. (طالبی ۹۴)

غایت مطلوب پول در علم اقتصاد مبادله است. یعنی پول برای این ابداع شده است که سازوکار مبادله (قیمت) در اقتصاد همیشه برقرار باشد. هر عمل و موضوعی که پول را از غایتش که همان

مبادله است دور نماید خلاف حق پول است. در ادبیات علم اقتصاد متعارف برای انسان‌ها حقوق مالکیت تعریف شده است. اما برای پول حقوق مالکیت تعریف نشده است. زیرا هنوز در علم اقتصاد به این نکته توجه نشده است که پول مالکیت عمومی (نسبت به کالاها) دارد. در نتیجه لازم است برای پول حقوق مالکیت تعریف نمود. نتیجه این تعریف حذف هزینه مبادله از علم اقتصاد است.

موضوعاتی که در این تحقیق تبیین می‌شود به شرح زیر است:

۱- پول به عنوان پدیده (مفهوم) اقتصادی یا پدیده (مفهوم) حقوقی؟

۲- تبیین نظریه حقوق مالکیت

۳- تبیین نظریه حقوق مالکیت پول: حذف بازار پول

۴- مالکیت نهاد بانک: خصوصی؟ دولتی؟ تمام نسل‌ها؟

۱- پول به عنوان پدیده (مفهوم) اقتصادی یا پدیده (مفهوم) حقوقی؟

اقتصاددانان مسلمان درباره تقاضای پول در اقتصاد اسلامی با یکدیگر اختلاف نظر دارند. منشأ این اختلاف، کارکرد پول به صورت ذخیره ارزش به مفهوم کینزی آن است. اقتصاددانان اغلب پول را چنین تعریف می‌کنند: پول هر آن چیزی است که سه وظیفه واسطه در مبادلات، واحد محاسبه و ذخیره ارزش را انجام دهد. تا پیش از مارشال، نظریه‌های پولی کارکرد وسیله در مبادله بودن پول را در قالب نظریه مقداری پول تحلیل می‌کردند؛ زیرا تلقی اقتصاددانان این بود که کارکرد اصلی پول واسطه مبادله بودن است و دو کارکرد دیگر برای آن است که پول بتواند نقش اصلی خود را بازی کند. به عبارت دیگر، کارکرد پول به صورت ذخیره ارزش، از کارکرد آن به صورت واسطه در مبادله بودن مستقل نیست. برای نخستین بار نظریه تقاضای موجودی نقد مکتب کمبریج که به وسیله مارشال و پیگو به تکامل می‌رسد، بر نقش پول به صورت وسیله ذخیره ارزش تأکید می‌کند. پول که وسیله مبادله است، جدا کردن عمل خرید را از فروش میسر می‌سازد و می‌تواند به صورت وسیله ذخیره موقت ارزش، در فاصله میان فروش یک کالا و خرید کالای دیگر عمل کند. مکتب کمبریج تقاضای فرد برای نگهداری پول در این فاصله را تحلیل و عوامل مؤثر بر آن را بررسی می‌کند. این همان تقاضای نگهداری پول به انگیزه معاملاتی در نظریه پولی کینز است. از نگاه مکتب کمبریج نیز نقش ذخیره ارزش بودن پول، نقش تبعی است و نقش اصلی پول واسطه در مبادله بودن است. کینز همچون مکتب کمبریج توجه خود را به صورت ذخیره ارزش معطوف کرد و نظریه خود را بر تقاضای نگهداری پول با سه انگیزه معاملاتی، احتیاطی و سفته بازی پایه گذاشت. در تقاضای پول با انگیزه سفته‌بازی، کینز این اندیشه را مطرح کرد که در برخی حالات مردم ترجیح می‌دهند ثروت خود را به شکل پول نگهداری کنند و آن وقتی است که انتظار داشته باشند قیمت‌ها

و نرخ بهره در آینده کاهش یابد. در این صورت، پول، کارکرد ذخیره ارزش را به صورتی مستقل از کارکرد واسطه معامله بودن خواهد داشت و پول، دارایی بی‌بازده شمرده می‌شود.

اقتصاددانان مسلمان اغلب با نگرش کینزی تقاضای پول در اقتصاد اسلامی را مطالعه کرده‌اند؛ یعنی تقاضای پول را از جهت انگیزه‌های آن تقسیم کرده و به تحلیل هر قسم پرداخته‌اند؛ از این رو، خود به خود این پرسش مطرح شده که آیا در اقتصاد اسلامی با فرض حرمت بهره، تقاضای پول به انگیزه سفته بازی وجود دارد. به عبارت دیگر، آیا پول می‌تواند در اقتصاد اسلامی به مفهومی که کینز می‌گوید ذخیره ارزش باشد؟

پاسخ به این پرسش نه فقط در تحلیل تقاضای پول در اقتصاد اسلامی، بلکه در تحلیل کل اقتصاد اثر مهمی دارد. پاسخ مثبت به این پرسش به مفهوم آن است که بخش پولی اقتصاد اسلامی به صورتی مستقل از بخش واقعی اقتصاد بر متغیرهای اقتصادی مؤثر است و باید جداگانه مطالعه شود. در این صورت می‌توان از الگوی IS-LM با جایگزین کردن متغیر دیگری به جای نرخ بهره استفاده کرد، اما پاسخ منفی به مفهوم آن است که بخش پولی، از بخش واقعی مستقل نیست و مطالعه بخش واقعی ما را از مطالعه بخش پولی بی‌نیاز می‌کند. در این صورت باید همچون کلاسیک‌ها نظریه‌های پولی در قالب نظریه مقداری پول بیان شود. اقتصاددانان مسلمان در پاسخ به پرسش پیشین اختلاف و در نتیجه توابع گوناگونی را برای تقاضای پول در اقتصاد اسلامی معرفی کرده‌اند. در صورتی که بر اساس رویکرد اقتصاد متعارف و کینزی اقتصاد تحلیل و اجرا شود آن گاه مواجه با خطای اندازه گیری در علم اقتصاد شده‌ایم. به این معنا که در صورتی برای پول بازار تعریف شود و نیز تقاضای سفته بازی پول نیز پذیرفته شود در این رویکرد مواجه با کنز پول خواهیم شد. نماد کنز سیستم فعلی پولی هم دارایی‌های بانک مرکزی است. در صورتی که ارزش پول در طی زمان حفظ شود تقاضای سفته بازی پول به صفر کاهش پیدا می‌نماید در نتیجه پول هیچ گاه در اقتصاد کنز نخواهد شد.

نکته ظریف در ارتباط با پول این است که پول یک مفهوم اقتصادی نیست. بلکه مفهوم حقوقی است. به طوری کالا (ارزش) یک مفهوم اقتصادی است و برای آن بازار تعریف می‌شود. اما پول یک قرارداد اجتماعی است. مفهوم حقوقی است. یعنی شخصیت پول حقیقی نیست. بلکه شخصیت پول حقوقی است. همچنین لازم است برای تبیین دقیق موضوع نیز به دو مفهوم ارزش مصرفی و ارزش مبادله‌ای در علم اقتصاد نیز توجه نمود. به عبارتی کالاها در علم اقتصاد ارزش مبادله‌ای دارند. لکن پول فقط و فقط ارزش مصرفی دارد. به طوری که ارزش مصرفی پول، همان وسیله اندازه‌گیری ارزش مبادله‌ای کالاهاست. در نتیجه ارزش پول در علم اقتصاد به صورت حقوقی به شرح زیر تعریف می‌شود:

- ارزش پول - ارزش حقوقی: مالکیت عاملین اقتصادی نسبت به پول

یعنی عاملین اقتصادی در فرایند مبادله نسبت به پول مالکیت دارند. عنصر مالکیت، تبیین کننده حقوقی بودن پول در علم اقتصاد می‌باشد. یعنی پول، یک مفهوم حقوقی است. مفهوم اقتصادی نیست که برای آن بازار (صنعت) تعریف شود. از دیدگاه منطق اقتصاد خرد هزینه نهایی تولید پول صفر است. یعنی تعریف صنعت برای پول خطاست. به عبارتی به طور دقیق می‌توان گفت که پول یک سند حقوقی است. به طوری که لازم و واجب است برای آن حقوق مالکیت تعریف نمود.

۲- تبیین نظریه حقوق مالکیت

قبل از تبیین این نظریه بهتر است که مفهوم مالکیت تبیین شود. مالکیت رابطه‌ای است اعتباری بین مال از یک طرف و بین شخص (حقیقی یا حقوقی) از طرف دیگر؛ که بر اساس آن مالک می‌تواند هر تصرف معقولی را که مایل باشد در مالش انجام دهد. سید محمد کاظم یزدی در تعریف مالکیت می‌گوید: حقیقت مالکیت فقط یک اعتبار عقلایی است. عقلاً چیزی را که در دست کسی قرار دارد (و متعلق به اوست) علقه و رابطه‌ای بین او و چیزی که در اختیار وی می‌باشد اعتبار می‌کنند که این رابطه، منشأ تسلط وی بر آن چیز می‌باشد یا اینکه آنچه را که اعتبار می‌کنند عبارت است از همان تسلط.

مالکیت به رابطه خاص بین مالک و ملک اشاره می‌کند که امکان تصرف مالک در ملک را نشان می‌دهد. این رابطه و سلطه، گاه حقیقی و واقعی است؛ یعنی مالک، سلطه واقعی و حقیقی بر ملک دارد؛ مانند مالکیت خداوند بر مخلوقات، و مالکیت انسان بر نفس یا بر صورت ذهنی اشیا. گاهی نیز این سلطه اعتباری است؛ یعنی بین مالک و ملک فقط رابطه و سلطه‌ای فرض می‌شود که آن چه جدا و گسیخته از مالک است، به منزله آن چه به او ارتباط دارد، در نظر گرفته شود. در واقع نوعی شبیه‌سازی صورت می‌گیرد (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۲: ۹۱) البته این سلطه اعتباری دارای اثر است. اثر این سلطه آن است که تصرفات مالک در ملک به رضایت کسی منوط نیست؛ ولی تصرفات دیگران، بر رضایت مالک متوقف است. (هادوی تهرانی، ۱۳۷۸: ۱۱۴) بدین ترتیب، «مالکیت اعتباری» عبارت از اعتبار واجدیت و احاطه شخصی (حقیقی یا حقوقی) بر شیء، اعم از عین و منفعت به گونه‌ای که بر آن شیء سلطه داشته باشد و بتواند در آن تصرف کند و مانع تصرف دیگران شود. در شرع نیز همین معنای عرفی لحاظ شده است؛ البته برخی محدودیت‌ها درباره آن مطرح می‌شود (قحف، ۱۴۱۱: ۶۱)؛ بنابراین می‌توان گفت: عنصر اصلی در مفهوم مالکیت، «امکان تصرف» است این امکان گاه به دایره وجود ارتباط می‌یابد که در این صورت، مالکیت حقیقی مطرح می‌شود و گاه به معنای امکان فلسفی نیست؛ بلکه بر جواز

دلالت می‌کند. در مالکیت اعتباری، عاقلان با تشبیه به مالکیت حقیقی که در آن، مالک امکان وجودی جهت تصرف در ملک را داشت، بین مالک و ملک اعتباری رابطه‌ای برقرار می‌سازند که مالک جهت رسیدن به مقاصد اجتماعی، در تصرف مجاز باشد؛ بنابراین، مالکیت حقیقی به دنبال جواز فلسفی و مالکیت اعتباری، در پی جواز تشریعی است؛ پس تفاوت اساسی این دو مالکیت این است که در مالکیت حقیقی، همواره ملک بر مالک قائم بود، و هیچ وقت از مالکش جدا و مستقل نمی‌شود (طباطبایی، ج ۳: ۲۰۲)؛ ولی ملکیت اعتباری از آن‌جا که قوامش به وضع و اعتبار بوده، قابل تغییر و تحول است، امکان دارد این نوع ملک از مالکی به مالک دیگر منتقل شود و می‌توان گفت که یکی از نشانه‌های مالکیت اعتباری، قابلیت انتقال ملک است. (هادوی نیا، ۱۳۸۲)

نکته ظریف و دقیق در مورد پول این است که پول مالکیت دارد. یعنی همان طور که برای انسان مالکیت تعریف می‌شود برای پول نیز مالکیت تعریف می‌شود. به طوری که پول نسبت به کالاها مالکیت دارد. یعنی تصرف و سلطه پول بر کالاها. به عبارتی پول سلطان کالاهاست. از همین نکته لزوم تبیین حقوق مالکیت پول نیاز می‌شود. البته مفهوم مالکیت همان مفهوم قدرت خرید پول در علم اقتصاد متعارف است.

در علم اقتصاد، وظایفی به شرح زیر برای پول در نظر گرفته می‌شود: ۱- وسیله محاسبه ۲- وسیله مبادله ۳- وسیله ذخیره ارزش. حلقه مفقود این وظایف وسیله دیگری است. زیرا زمانی که پول نقش ذخیره ارزش را بر عهده دارد لازم است، این ارزش ذخیره شده در پول در طول زمان حفظ شود. یعنی نیاز به وسیله دیگری برای حفظ ذخیره ارزش می‌باشد. به عبارتی لازم است برای وظیفه سوم، وسیله دیگری تعریف نمود. حال با توجه به این که عاملین اقتصادی در طول زمان نسبت به پول مالکیت دارند، می‌توان این وسیله را به شرح زیر تعریف نمود:

- وسیله حفظ ذخیره ارزش: تشکیل منبع عمومی از پول در طول زمان

به طوری که مالکیت این منبع عمومی، عمومی است. در نتیجه، عمل تامین پول از این منبع عمومی به صورت عقد قرض الحسنه است. به عبارتی برای پول بازار تشکیل نمی‌گردد (عمل تامین پول به جای نظام بازار از نظام تعاون است). در صورتی که برای پول بازار تعریف شود مواجه با خطای کنز پول خواهیم بود. در نتیجه ارزش ذخیره شده در پول در طول زمان حفظ می‌شود. به عبارتی با تشکیل منبع عمومی از پول عاملین اقتصادی مواجه با دو نوع پول هستند. برای تبیین دقیق این دو نوع پول لازم است که ابتدا تعریف هر کدام را مشخص نمود.

۱- پول خصوصی: پولی که مالکیت آن خصوصی است. به عبارتی این پول ناشی از کارکردن عاملین اقتصادی در فرایند نظام بازار است. در نتیجه پول به عنوان دارایی عمل می‌کند.

۲- پول عمومی: پولی که مالکیت آن عمومی است. به عبارتی این پول ناشی از تامین به صورت عقد قرض الحسنه از منبع عمومی است. در نتیجه به صورت بدهی عمل می‌کند. در نتیجه، وجود منبع عمومی از پول سبب ایجاد دو نوع پول برای عاملین اقتصادی در طی زمان می‌شود. البته پول موجود در منبع عمومی بر مبنای اصل تعاون برای تمامی نسل‌هاست. در سیستم تعاون منافع جامعه اهمیت دارد اما در سیستم رقابت منافع فردی و گروهی. در نظام رقابت، پول برای عاملین اقتصادی به عنوان دارایی عمل می‌کند. به طوری که مالکیت پول ناشی از فرایند بازار برای عاملین اقتصادی خصوصی است. در نظام تعاون، پول برای عاملین اقتصادی به عنوان بدهی عمل می‌کند. بدهی به منبع عمومی. زیرا مالکیت پول در بخش تعاون عمومی است. به عبارتی برای یک مبادله صحیح و دقیق در علم اقتصاد لازم است دو چیز را به صورت همزمان اعتبار نمود: ۱- اعتبار پول ۲- اعتبار منبع عمومی از پول. به طوری که اعتبار اول ارزش را اندازه می‌گیرد و اعتبار دوم ارزش را در طول زمان حفظ می‌نماید. در ادبیات اقتصاد پولی تا به این لحظه وسیله دوم اعتبار نشده است.

۳- تبیین نظریه حقوق مالکیت پول: حذف بازار پول

حقوق مالکیت ابزار یک جامعه است و اهمیتش را از این حقیقت می‌گیرد که به فرد کمک می‌کند تا منطقاً انتظاراتی را که می‌تواند در ارتباطش با دیگران داشته باشد، شکل دهد. وقتی مبادله‌ای در بازار انجام می‌شود، دو بسته از حقوق مالکیت رد و بدل می‌شود، یک بسته از حقوق اغلب منضم به کالای فیزیکی یا خدمت است، اما این ارزش حقوقی است که ارزش آن چیزی را که مبادله می‌شود تعیین می‌کند. موضوعات مربوط به پیدایش و ترکیب اجزای این بسته از حقوق، مقدم بر موضوعاتی است که معمولاً اقتصاددانان می‌پرسند. اقتصاددانان معمولاً بسته یا نوع حقوق مالکیت را به عنوان داده می‌گیرند و به دنبال توضیح نیروهایی می‌روند که قیمت و تعداد واحدهای کالایی را، که این حقوق منضم به آن هستند، تعیین می‌کنند. حقوق مالکیت بیان‌کننده حق نفع رساندن یا ضرر رساندن به خود یا دیگران است. یکی از وجوه مشخصه نظام‌های اقتصادی، شیوه مالکیت است. دامنه نظام‌های اقتصادی از پذیرش مالکیت خصوصی صرف تا مالکیت عمومی و الغای مالکیت خصوصی گسترده است. تعیین دقیق حدود حقوق مالکیت و مسائل مربوط به آن و تعیین میزان حق نظارت، در تخصیص کارایی منابع نقش اساسی دارد. حقوق مالکیت، حقوق افراد برای استفاده از منابع است. این حقوق با قوانین رسمی و قدرت دولت و همچنین با سنت‌ها و رسومات اجتماعی برقرار و اجرا می‌گردد. اولین نکته در بحث حقوق مالکیت پول، مالکیت پول نسبت به کالاها و خدمات است. از همین نکته لزوم تعریف حقوق مالکیت برای پول استنتاج می‌شود. از طرفی دیگر حفظ ارزش پول در طول زمان در علم اقتصاد یک اصل

مسلم است. به طوری که می‌توان نتیجه گرفت، حفظ ارزش پول در طول زمان همان حقوق مالکیت پول در طول زمان است. حال با توجه به این که عاملین اقتصادی در فرایند مبادله در علم اقتصاد نسبت به پول مالکیت دارند (لزوم تعریف حقوق مالکیت برای عاملین اقتصادی)، می‌توان حقوق مالکیت پول را به صورت زیر تعریف نمود:

- تشکیل منبع عمومی از پول در طول زمان برای تمامی عاملین اقتصادی در طی تمامی زمان‌ها و برای تمامی نسل‌ها

به طوری که مالکیت این منبع عمومی از پول، عمومی است (لزوم تعریف حقوق مالکیت برای منبع عمومی). در نتیجه عمل تامین پول از این منبع عمومی از پول، به صورت عقد قرض الحسنه است. به عبارتی برای پول بازار تشکیل نمی‌شود. یعنی تامین پول از نظام بازار به نظام تعاون تغییر پیدا می‌نماید. به عبارتی بازار پول با حقوق مالکیت پول در تناقض است. در نتیجه لازم است دو نوع حقوق مالکیت در نظام اقتصادی با وجود پول تعریف نمود: ۱- حقوق مالکیت برای عاملین اقتصادی ۲- حقوق مالکیت برای پول

در این قسمت حقوق مالکیت پول به صورت زیر می‌باشد:

- ۱- پول نمی‌تواند و نباید بازار داشته باشد.
- ۲- عقد پول همیشه و همه جا قرض الحسنه است.
- ۳- لازم است که ارزش پول حفظ شود (تشکیل منبع عمومی از پول).
- ۴- پول نباید کنز شود (حذف نقش بانک مرکزی از عرضه پول: حذف تراژنامه بانک مرکزی).
- ۵- مالکیت منبع عمومی (نهاد بانک) عمومی است. متعلق به تمامی نسل‌هاست.

۴- مالکیت نهاد بانک: خصوصی؟ دولتی؟ تمام نسل‌ها؟

اشکال علمی، نظام اقتصاد سرمایه‌داری این است که بین عمل قرض در اقتصاد و عمل بازار تفاوتی در نظر گرفته نشده است. در اقتصاد هدف قرض رفع نیاز (فقط و فقط ارزش مصرفی) می‌باشد بدون این که هدف سود در کار باشد. قرض به نوعی، وسیله تعاون اجتماعی است و مصداق آیه شریفه زیر می‌باشد: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ» (مائده/۲). به همین خاطر در این عمل هیچ ریسکی وجود ندارد در نتیجه هیچ بازدهی هم برای آن قابل تصور نیست. همچنین ارزش مصرفی بودن، ریسک را به همراه ندارد. فقط ریسک عدم برگشت وجود دارد که آن هم از طریق ضمان حل می‌شود. در صورتی که در عمل بازار که قرار است به سرمایه‌گذاری تبدیل شود و بازدهی کسب شود این عمل همراه با ریسک است در نتیجه می‌توان بازدهی برای آن در نظر گرفت (بازار سرمایه). در علم اقتصاد می‌توان برای کالاها بازار تعریف نمود. (عرضه، تقاضا و قیمت). اما برای پول نمی‌توان بازار تعریف نمود. بلکه لازم است عمل استقراض تعریف نمود. نکته ظریف پول

این است که خود پول نسبت به کالاها مالکیت دارد. یعنی مالکیت عمومی نسبت به همه کالاها. از طرفی دیگر سرعت گردش پول در فرایند مبادلات اقتصادی مثبت (بزرگتر از واحد) است. زیرا نمی‌توان آن را حبس کرد. البته سرعت گردش در اقتصاد فقط برای پول تعریف می‌شود. بر خلاف این که سرعت گردش کالاها صفر است. یعنی می‌توان آنها را حبس نمود. به همین خاطر می‌توان ادعان نمود که مالکیت کالا خصوصی است. در نتیجه می‌توان برای کالا بازار تعریف نمود (عرضه، تقاضا و قیمت). لکن مالکیت پول عمومی است (به خاطر سرعت گردش پول). یعنی خود پول که مالکیت عمومی (نسبت به کالاها) دارد، مالکیتش در علم اقتصاد عمومی است. تفکیک دو کلمه عمومی بسیار مهم است. اولی مربوط به عاملین اقتصادی و دومی مربوط به کالاها. در نتیجه نمی‌توان برای پول بازار تعریف نمود. به طوری که پول تقاضا دارد (عاملین اقتصادی)، عرضه دارد (نهاد بانکی)، اما قیمت ندارد (عمل استقراض: عقد قرض الحسنه). حال نکته ظریف پول در علم اقتصاد این است زمانی که پول در علم اقتصاد اعتبار می‌شود لازم و واجب است به همراه اعتبار آن، وسیله دیگری برای حفظ ارزش پول (ذخیره ارزش) اعتبار نمود. این وسیله را می‌توان به شرح زیر تعریف نمود:

- تشکیل منبع عمومی از پول در طول زمان برای تمامی عاملین اقتصادی در طی تمامی زمان‌ها و برای تمامی نسل‌ها

به طوری که مالکیت این منبع عمومی از پول عمومی است. در نتیجه عمل استقراض به صورت تامین مالی پول از منبع عمومی پول برای تمامی عاملین اقتصادی به صورت عقد قرض الحسنه در طی تمامی زمان صورت می‌گیرد. یعنی حذف بازار پول. زیرا در نظام بازار مالکیت انتقال پیدا می‌کند. اما در عمل استقراض مالکیت پول انتقال پیدا نمی‌کند. بلکه قدرت خرید پول انتقال پیدا می‌کند.

یکی از بنیادی‌ترین موضوعات اقتصادی هر کشور، حفظ ارزش پول آن کشور می‌باشد. به عبارتی حفظ ارزش پول یک قانون مسلم در طول زمان است. نکته ظریف در ارتباط با پول، شخصیت پول می‌باشد. یعنی شخصیت پول حقیقی نیست. بلکه شخصیت پول حقوقی است. همچنین لازم است برای تبیین دقیق موضوع نیز به دو مفهوم ارزش مصرفی و ارزش مبادله‌ای در علم اقتصاد نیز توجه نمود. به عبارتی کالاها در علم اقتصاد ارزش مبادله‌ای دارند. لکن پول فقط و فقط ارزش مصرفی دارد. به طوری که ارزش مصرفی پول، همان وسیله اندازه‌گیری ارزش مبادله‌ای کالاهاست. از طرفی دیگر وسیله ذخیره ارزش در علم اقتصاد پول نیست. لکن واحد پولی این وظیفه را برعهده دارد. به عبارتی فرایند مبادله در علم اقتصاد نیاز به دو وسیله دارد: ۱- پول ۲- واحد پولی. حال در فرایند مبادله در علم اقتصاد لازم است که ارزش پول در طول زمان حفظ شود.

یعنی حفظ ارزش پول در طول زمان یک قانون مسلم است. به طوری که راه حل این قانون مسلم در طول زمان به شرح زیر می باشد:

- تشکیل (ایجاد) منبع عمومی از پول در طول زمان برای تمامی نسل ها (تمامی عاملین اقتصادی در طول زمان)

یعنی مالکیت این منبع عمومی از پول، عمومی است. به طوری که عمل تامین پول از این منبع عمومی برای تمامی عاملین اقتصاد در طی زمان برای تمامی نسل ها به صورت عقد قرض الحسنه است. نکته ظریف تشکیل منبع عمومی از پول این است که واحد پولی از تشکیل منبع ایجاد می گردد. یعنی واحد پولی که وظیفه ذخیره ارزش را برعهده دارد از طریق تشکیل منبع به صورت خودکار ایجاد می گردد. منطق حذف نرخ بهره و خلق پول (منطق حذف بازار پول) تشکیل منبع عمومی از پول در طول زمان است. در نتیجه می توان در تمامی بخش های اقتصادی، کشاورزی، صنعت و معدن خدمات، مسکن و ... یک منبع عمومی از پول تشکیل داد. یعنی تمامی بخش های اقتصادی می توانند از این منبع عمومی تامین مالی پول به صورت عقد قرض الحسنه در طی زمان نمایند. تصدیق این گزاره به معنی حذف صنعت بانکداری از علم اقتصاد برای تمامی نسل ها تا روز قیامت است.

به صورت کلی با وجود پول در فرایند مبادله در علم اقتصاد با سه نوع حقوق مالکیت روبرو می شویم. ۱- مالکیت عاملین اقتصادی نسبت به پول ۲- مالکیت پول نسبت به کالاها و خدمات (حفظ ارزش پول: ذخیره ارزش بودن پول) ۳- حقوق مالکیت منبع عمومی از پول (عقد قرض الحسنه پول و بازگرداندن پول). در صورتی که یکی از این سه نوع حقوق مالکیت رعایت نشود مواجه با پدیده تورم خواهیم شد. یعنی تورم پدیده حقوقی است. در نتیجه با این دیدگاه می توان گفت که مالکیت بانک خصوصی نیست، نیز مالکیت بانک دولتی نیست. مالکیت بانک عمومی است. یعنی مالکیت تمام نسل ها. در نتیجه تعریف صنعت بانکداری در علم اقتصاد خطاست. یعنی بانک بنگاه اقتصادی نیست. بانک یک نهاد حقوقی است که مالکیت آن متعلق به تمام نسل هاست. زیرا مالکیت منبع عمومی از پول متعلق به تمام نسل هاست.

منابع فارسی

- آقا نظری، حسن (۱۳۹۶)، بررسی فقهی- حقوقی شخصیت حقوقی، مجله حقوق اسلامی
- آقا نظری، حسن (۱۳۹۰)، مالکیت حقوقی نهادهای مالی (شخصیت حقوقی نهادهای مالی)، مجله اقتصاد اسلامی
- اصغر آقا مهدوی، مهدی حبیبان (۱۳۹۳)، بررسی اهلیت شخص حقوقی در فقه و حقوق، دوفصلنامه علمی- تخصصی پژوهشنامه فقهی
- حسن سبحانی، علی اصغر حسن قایمی‌نیا (۱۳۹۵)، چیستی پول در اقتصاد اسلامی از دید اعتباریات علامه طباطبایی^(۵)، مجله اقتصاد اسلامی شماره ۶۳
- رضائی، علی (۱۳۹۲)، نظریه استخدام و خاستگاه ارزشی عدالت از دیدگاه علامه طباطبایی^(۵)، مجله حکومت اسلامی، پاییز
- سوئیزی، پل (۱۳۵۸)، نظریه تکامل سرمایه‌داری، ترجمه حسن ماسالی، انتشارات تکاپو
- حسینی، سید عقیل، تحلیل تطبیقی رویکردهای سوژکتیو و ابژکتیو به مساله ارزش در اقتصاد، مجله اقتصاد تطبیقی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، بهار و تابستان
- سیدعقیل حسینی، رنانی، محسن (۱۳۹۰)، نقد و روش سنای اقتصادفیزیک و کاربرد آن در تحلیل نظام توزیعی سرمایه‌داری، فصلنامه اقتصاد تطبیقی، شماره ۷
- طالبی، محمد حسین (۱۳۹۴)، دانش فلسفه حق در اندیشه آیت الله جوادی آملی؛ حکمت اسرا
- علی دهقانی، معصومه احیایی و بیژن صفوی (۱۳۹۶)، بررسی رابطه بین کسری بودجه، تورم و عرضه پول در ایران، پژوهشنامه اقتصاد و کسب و کار، سال هشتم، شماره چهاردهم، بهار
- عبدالحمید معرفی محمدی، سید عقیل حسینی (۱۳۹۸)، مسئله عینیت در اقتصاد اسلامی، مجله مطالعات اقتصاد اسلامی، بهار و تابستان
- محمد هادی زاهدی وفا، علی باقری، تحلیلی بر نظریه ارزش و توزیع در اقتصادانان، مجله مطالعات اقتصاد اسلامی، پاییز و زمستان
- علی اصغر ابوالحسنی هستیانی، جهانگیر بیابانی و ابوالقاسم اثنی عشری امیری (۱۳۹۲)، چیستی پول در اقتصاد اسلامی، مجله اقتصاد اسلامی
- مارکس، کارل (۱۳۹۴)، سرمایه، نقد اقتصاد سیاسی، جلد اول، ترجمه حسن مرتضوی، انتشارات لاهیتا
- مندل، ارنست (۱۳۵۸)، تئوری مارکسیستی اقتصاد، جلد اول؛ ترجمه مرتضی سیاهپوش، چاپ کاویان
- مندل، ارنست (۱۳۸۶)، اقتصاد سیاسی، ترجمه کمال خالق پناه، نشر گل‌آذین

- میک، رونالد (۱۳۵۸)، **پژوهشی در نظریه ارزش** - کار، ترجمه م. سوداگر، موسسه تحقیقات اقتصادی و اجتماعی پازند
- محمدی، معرفی، عبدالحمید (۱۳۹۵)، **روش شناسی علم اقتصاد و مسئله رئالیسم**، مجله روش شناسی علوم انسانی، شماره ۹۷، تابستان
- محمدی، معرفی، عبدالحمید (۱۳۹۸)، **اقتصاد اعتباریات و مسئله اخلاق**، مجله معرفت اقتصاد اسلامی بهار و تابستان
- نوشین، عبدالحسین (۲۵۳۶)، **اصول علم اقتصاد**، نشر نوپا
- نیکی تین، پ (۱۳۸۷)، **مبانی اقتصاد سیاسی**، ترجمه ناصر زرافشان، انتشارات آگاه
- هادوی نیا، علی اصغر (۱۳۸۲)، **مبانی نظری ساختار مالکیت از دیدگاه قرآن**، مجله اقتصاد اسلامی، شماره ۳
- هندرسون و کوانت (۱۳۹۱)، **اقتصاد خرد پیشرفته**، ترجمه دکتر جمشید پژویان، بی جا

English sources

- Beinhocker, Eric D. (2006), **The Origin of Wealth: Evolution, Complexity, and the Radical Remaking of Economics**, Massachusetts: Harvard Business School Press
- Bennewitz, J. (2007), **Application of the Main Laws of Thermodynamics on Economy**, Social Science Research Network
- Burkett, Paul (2006), **Marxism and Ecological Economics**, in Toward a Red and Green Political Economy, Leiden: Brill
- Chakraborti, A. and B.K.Chakraborti (2000), **Statistical Mechanics of Money: Effects of Saving Propensity**, European Physics Journal, B. 17
- Rabinson, Joan (1962), **Economic Philosophy**, London: C. A. Watts
- Ricardo, David (1821/ 1951), **On the Principles of Political Economy and Taxation**, London: John Murray.
- Robbins, Lionel (1935), **An Essay on the Nature and Significance of Economic Science**, London: MacMillan
- Samuelson, Paul A. (1976), **Economics**, New York: Mcgraw-Hill
- Sen, Amartya (1987), **On Ethics and Economics**, Oxford: Blackwell Publishing
- Shackle, G. L. S. (1973), **The Marginal Revolution in Economics: Interpretation and Evaluation**, Marginalism: The Harvest, R. D. Collison Black, A. W. Coats, and Craufurd D. W. Goodwin (eds.), Durham, North Carolina, Duke University Press